

خلاصه ی کتاب:

نگاهی به کتاب

# «فراسوی خواستن»

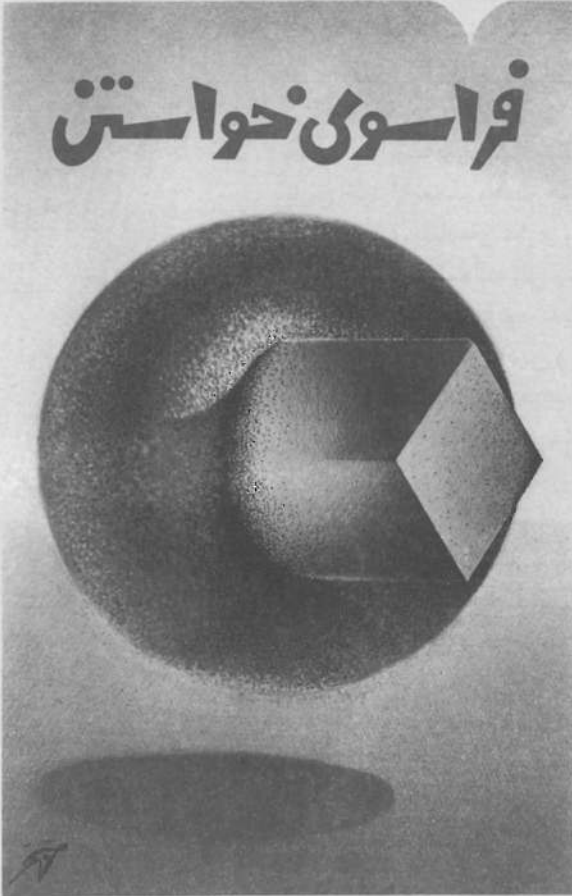
اثر محمدعلی توسی

حسین ملانی



محمدعلی توسی

## فراسوی خواستن



دریچ

شماره ۱۲ / صفحه ی ۵۷

بیش از پنجاه سال است که ژاپن توجه بسیاری از اندیشمندان، در همه ی کشورهای جهان را به خود جلب کرده است. هر فرد هوشمندی وسوسه می شود که از اسرار پیشرفت این کشور سر درآورد. بویژه هوشمندانی که دل در گرو پیشرفت کشورهای خود داشته اند. شاید به همین دلیل است که دکتر محمد علی توسی در دهه ی پایانی عمر پر بار خود به شدت به مطالعه و تحقیق در باب تاریخ، فرهنگ، تمدن، مدیریت و اقتصاد ژاپن دل بستگی پیدا کرده بود و آثار ارزشمندی از خویش به یادگار گذاشت. کتاب "فراسوی خواستن" یکی از این آثار ارزشمند است که چاپ نخست آن توسط انتشارات شبابویز در سال ۱۳۷۱ منتشر شد.

عناوینی که دکتر توسی برای فصول دهگانه ی کتاب خود برگزیده به خوبی نشان می دهد که او چه جنبه هایی از تمدن و فرهنگ ژاپن را جذاب تر دیده است. قاعدتاً اگر سفیر فرهنگی و علمی کشور دیگری به ژاپن نگاه کند، جنبه های دیگری از تمدن و فرهنگ ژاپن او را جذب می کند. مثلاً نویسندگان فراوانی از اروپا و آمریکا به ژاپن نگریسته و در جنبه های گوناگون تمدن این کشور درنگ کرده اند. برای بسیاری از آن ها سخت کوشی و پشتکار ژاپنی ها برجسته ترین جنبه ی تمدن این مردم بوده است. برای نمونه، هنگامی که ویل دورانت به تمدن مردم ژاپن می نگرد، این جنبه ی آن که بامداد روز پس از یک زلزله ی وحشتناک در توکیو کودکانی که جان سالم به در برده بودند به مدرسه های ویران شده خود رفتند و درس های زندگی را از سر گرفتند، بسیار جذاب بوده است. به راستی که این پدیده بسیار شگفت انگیز است و احترام هر اندیشمندی را از هر

## هنگامی که ویل دورانت به تمدن مردم ژاپن می نگرد، این جنبه ی آن که بامداد روز پس از یک زلزله ی وحشتناک در توکیو کودکانی که جان سالم به در برده بودند به مدرسه های ویران شده خود رفتند و درس های زندگی را از سر گرفتند، بسیار جذاب بوده است

فرهنگ و تمدنی که باشد، بر می انگیزد. ولی برای دکتر توسی که از متن یک تمدن بسیار کهنه و آوار شده به ژاپن امروز می نگرد موضوع دیگری وجود دارد که همه ی ذهن و هوش او را به خود مشغول کند. اینکه ژاپن چگونه نو شد؟

چگونه بندها و زنجیرهای دست و پاگیر سنت ها و آداب و رسوم غیر خردمندانه ی خویش را شکست و رهایی یافت؟ چگونه بر تابلوهای فکری خود مثل انزواطلبی، بیگانه ترسی و نفی داد و ستدهای فرهنگی چیره شد و جمله "ساخت ژاپن" را به منزله ی پرچم صنعت و تمدن خود در هر خانه ای در گوشه و کنار این سیاره ی خاکی برافراشت؟ همین گزینش جنبه های خاصی از فرهنگ و تمدن ژاپن است که کتاب دکتر توسی را از کتاب های ارزشمند دیگری که به فارسی ترجمه شده است متمایز می کند، زیرا او از نگاه یک هوشمند ایرانی ژاپن را دیده است. در حالی که یک کتاب ترجمه شده، به ناگزیر از نگاه یک هوشمند غربی به ژاپن نگاه می کند.

بخش یکم کتاب با این عنوان مشخص شده که "چرا باید ژاپن را بشناسیم". بخش دوم با عنوان "ژاپن نو" به فرایند "نوسازی" و از این مهم تر "نومانی" ژاپن پرداخته است. می دانیم که نو ماندن به مراتب دشوارتر و مهم تر از نوساختن است. بسیاری از ملت ها در طول تاریخ خود از نعمت وجود رهبرانی برخوردار شده اند که به نوسازی بنیادهای فکری و سازمان های اجتماعی آن ها همت گماشته اند. ولی پس از مرگ آن ها مردم نتوانسته اند نو بمانند و نو بیندیشند. از این رو بار دیگر به ژرفای آداب و رسوم کهن و اندیشه های گذشته ی خویش بازگشته اند. ولی مردم ژاپن توانستند خود را با پدیده های جدید تمدن سازگار کنند و حتی به گسترش مرزهای نو مبادرت ورزند و با تولید پدیده های نوتر، بر میراث جهانی بشریت بیفزایند.

کتاب "فراسوی خواستن" بسیاری از خطاهای ذهنی ما درباره ی ژاپن را تصحیح می کند. مثلاً در مدارس و دانشگاه های ایران بارها این اندیشه مطرح می شد که "امیر کبیر" در ایران و "می جی" (MEIJI) در ژاپن اصلاحات و نوسازی را بطور همزمان آغاز کردند. ولی امیر کبیر شکست خورد و می جی موفق گردید. سپس این پرسش مطرح می شد که چرا در ایران زمینه ی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای اصلاحات و نوسازی وجود ندارد؟

دکتر توسی این تصور نادرست را اصلاح می کند که ژاپن به دست یک رهبر نیرومند به نام می جی مسافت

طولانی و چند صد ساله میان عقب افتادگی و پیشرفت را در عرض چند دهه پیموده باشد. او نشان می دهد که پیش از می جی نیز گام های بلندی برای کنده شدن از دنیای سیاه خرافه پرستی، فقر و عقب ماندگی برداشته شده بود. این حرکت از هنگام روی کار آمدن سلسله ی توکوگاوا (۱۸۷۶ - ۱۶۰۰) آغاز شد. توسی می نویسد: "بسیاری از رخداد های تاریخی یک ملت ریشه در فرهنگ و تاریخ دور و نزدیک آن ملت دارد و از آن سرچشمه می گیرد..." (ص ۲۷۹).

پیشرفت امروز ژاپن نیز ریشه در تاریخ دور این کشور دارد. اگر بخواهیم تاریخ ایران و ژاپن را با هم مقایسه کنیم بهتر است به پیش از امیر کبیر و می جی باز گردیم. زیرا همانگونه که خداوند در هر زمینه ای نشانه هایی برای هدایت قرار داده است در تاریخ نیز نشانه های شگفت انگیزی برای مقایسه و شناخت واقعیات نهاده است، یکی از همین نشانه های روشنگر و هدایت کننده تقارن سلطنت شاه عباس کبیر در ایران با سلطنت "آیه یاسو" (Ie yasu) پایه گذار دودمان توکوگاوا در ژاپن است.

در سال ۱۶۰۰ فرمانروای بزرگی به نام "هیدی یوشی" (Hidey yoshi) در گذشت و خلاء قدرت سیاسی در ژاپن ظاهر شد. در این دوره بود که چهره ی جدیدی در فضای سیاسی ژاپن ظاهر شد که "آیه یاسو" نام داشت. وی در دهکده "ایدو" (Edo) که بعداً تبدیل به "توکیو" شد مستقر گردید و رفته رفته قدرت خود را به سراسر ژاپن بسط داد. هدف او عبارت بود از ثبات سیاسی، استقرار نظم و امنیت و ایجاد صلح و آرامش در درون و بیرون مرزهای کشور. این هدف با سازماندهی دقیق مالکان زمین، جنگجویان حرفه ای، اشراف و کارگزاران دولت، شکل گرفت. در همین دوره یک نظام طبقاتی ایجاد شد که یک وجه آن سامورایی ها بودند. این طبقه با ترویج اخلاق کنفوسیوسی و یک نظم تربیتی دقیق پدید آمد و بر وفاداری به حکومت، دانش خواهی و احترام به اهل دانش، تأکید فراوانی می شد.

شاید رمز اصلی در شناخت عواملی که به تدریج ژاپن را تغییر داد چیزی جز استفاده از فیلسوفان و دانشمندان نبود. "آیه یاسو" برجسته ترین دانشمند و فیلسوف زمان خویش به نام "هایاشی رازان" (Hay ashi Razan) را به سمت دبیر حکومت و سر پرست دربار گماشت (توسی، ص ۴۸۳). او نویسنده ی بزرگی بود و کتاب های مهمی در تاریخ، ادبیات و فلسفه نوشته بود. چنین مردی می توانست نخستین دانشگاه تاریخ ژاپن را در ایدو (توکیو امروزی) بنیاد گذارد و فیلسوفان و دانشمندان

شاید رمز اصلی در  
شناخت عواملی  
که به تدریج  
ژاپن را تغییر داد  
چیزی جز استفاده  
از فیلسوفان و  
دانشمندان نبود

طلاق، بی سرپرست شدن کودکان و نوجوانان، ترک تحصیل، افتادن کودکان و نوجوانان در دام بزهکاری، متروک شدن روستاها، ازدحام جمعیت در شهرها، ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی آب و خاک، نابودی جنگل‌ها و مراتع، افسردگی، روان پریشی و بالا رفتن آمار خودکشی‌ها پی برد و از مبارزه با معلول‌ها به جای مبارزه با علت‌ها دست برداشت.

باید آن چنان ساختاری برای مدیریت جامعه و اداره امور کشور پدید آورد که پزشکان را به بیمارستان‌ها و تکنسین‌ها و مهندسان را به کارخانه‌ها بازگرداند، و فیلسوفان و جامعه‌شناسان و اندیشمندان علوم اجتماعی را به مناصب غصب‌شده‌ی آن‌ها بازگرداند. یک ساختار سیاسی متکامل و پیشرفته ساختاری است که بتواند شایستگان و نخبگان هر رشته را در زمینه‌ی تخصصی خود به کار گمارد و از پیدایش هرج و مرج و تقاطعی مرزهای تخصص جلوگیری کند.

ساختاری که از دگراندیشی نهراسد و به وحشت فرو نرود. بلکه بداند که دگراندیشی در ظاهر وضع موجود را به چالش می‌کشد. ولی در باطن تنها راه دوام و استمرار یک نظام اجتماعی، نواندیشی و دگراندیشی است. کتاب‌های دکتر توسی بطور عام و کتاب فراسوی خواستن بطور خاص ما را با این واقعیت آشنا می‌کند. از این رو مطالعه آن را قویاً توصیه می‌نماید.

بسیاری را گرد هم آورد. توسی می‌نویسد: "به زودی گروهی از اندیشمندان با دیدگاه‌های گوناگون فلسفی پدیدار شدند و به جریان فکری و عقلی آن روزگار رونق بخشیدند" (توسی، ص ۲۸۳).

برای کسانی که مایلند ایران و ژاپن را با هم مقایسه کنند می‌توان گفت این دوره تقریباً با تبعید و آوارگی ملاصدرا و کشتار و آزار دانشمندان علوم طبیعی، و فیلسوفان دگراندیش در دوران شاه‌عباس کبیر همزمانی دارد.

این همزمانی و مطالعات تطبیقی یکی از رمز و رازهای تاریخی را برملا می‌کند. راز بزرگ تاریخ این است که اگر کارهای کشور به اندیشمندان و فیلسوفان بزرگ کشور سپرده شود پیشرفت صورت می‌گیرد و اگر کارهای بزرگ به مردان کوچک سپرده شود حاصلی جز فقر، تنگدستی، بیکاری، درماندگی و عقب‌ماندگی به بار نمی‌آید. منتهی چون نتایج این دو سیاست پس از ده‌ها یا صدها سال ظاهر می‌شود مردم عادی نمی‌توانند تاثیر حاکمیت مردان بزرگ را بر پیشرفت جامعه و آسایش زندگی خود و تاثیر حاکمیت مردان عامی و کوچک را بر عقب‌افتادگی جامعه و پریشانی زندگی خود مشاهده کنند.

فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی و اقتصاد به منزله‌ی میکروسکوپ در علوم زیست‌شناسی و پزشکی است. همانگونه که یک آسیب‌شناس یا یک پزشک فقط با چشم مسلح به میکروسکوپ می‌تواند عامل بیماری‌ها را بشناسد و مداوا کند، یک مصلح اجتماعی نیز فقط با چشم مسلح به فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی و اقتصاد می‌تواند عوامل بیماری‌های اجتماعی مانند فقر، فحشا، اعتیاد، دزدی و بیماری‌های روانی را ببیند و بشناسد. مردانی که با چشم مسلح به بررسی جامعه پرداخته‌اند بارها و بارها شهادت داده‌اند که محدودیت نخبگان، خواص و دگراندیشان نتیجه‌ای جز میدان‌دار شدن عوام، ساده‌پندان، قشریون و همسان‌اندیشان به بار نمی‌آورد. این نیز به نوبه‌ی خود حاصلی جز نابودشدن منابع طبیعی، فرصت‌ها و اوقات ارزشمند نسل جوان نخواهد داشت.

باید کتاب فراسوی خواستن و هر کتاب دیگری را که از رمز و رازهای پیشرفت، رشد تکنولوژی، توسعه‌ی دانش، کسب قدرت اقتصادی — سیاسی و چگونگی آفرینش ثروت سخن می‌گویند بارها و بارها خواند. تا بتوان عوامل و دلایل بیکاری، تهیدستی، فحشا، اعتیاد، جرم و جنایت، تأخیر در سن ازدواج، افزایش آمار

